

روزنه

سیدحسن خمینی:

از دل فضای دستوری چیزی تولید نمی‌شود

● **جماران**: حجت‌الاسلام «سیدحسن خمینی» در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونان و مدیران این وزارتخانه و جمعی از هنرمندان کشور با تشکر از وزیر «ارزشمند»، «خدم» و «فرهنگ‌شناس» کشور، گفت: «گزافه نیست اگر کسی ادعا کند انقلاب اسلامی، انقلابی دارای ریشه‌های فرهنگی است، بدین معنا که هم شعرهای اصلی آن فرهنگی است و هم طبقه رهبران انقلاب متشکل از افراد اندیشمند و فرهنگی هستند و نیز پیام انقلاب برای آیندگان پیامی فرهنگی است.»

او با تأکید بر دو عنصر «اختیار» و «شجاعت» برای تعالی فرهنگی، به مسئولان فرهنگی کشور توصیه کرد: «از دشنام، تهدید و ضربه نترسید.»

«سیدحسن خمینی» افزود: «نقطه‌ای که انقلاب در مقابل آن ایستاده، اضمحلال فرهنگی موجود بود و آنچه هدف آن است و به سمت آن حرکت می‌کند تعالی فرهنگی است.»

«سیدحسن خمینی» با اشاره به صیغه فرهنگی سردمداران انقلاب از رهبر کبیر آن گرفته تا سایر مبارزان این مسیر، یادآور شد: «خاستگاه همه این شخصیت‌ها در حوزه اندیشه، علم و خرد بود در حالی که در سایر انقلاب‌ها این‌گونه نیست و بعضا سران انقلاب ریشه‌های کارگری، اقتصادی یا سیاسی داشتند.»

او با اشاره به شعار «استقلال» در جریان انقلاب اسلامی، افزود: «از ابتدا بیش از آنکه استقلال اقتصادی مطرح باشد، استقلال فرهنگی مدنظر بود؛ بدین معنا که دارای پیشینه‌ای غنی در حوزه ایرانی- اسلامی هستیم و بر ما ویرا اعتلای آن قدم برداشته‌ایم. دین‌داران هم اندیشه دینی را در خطر دیدند که برای احیا آن گام برداشتند، زیرا دین یکی از هنجارهای مهم در عرصه فرهنگ است.»

«سیدحسن خمینی» با اشاره به تعریف دشوار فرهنگ و گزتابی‌های این اصطلاح، گفت: «فرهنگ در زمره مسائلی است که تعالی آن جز به «اختیار» نیست. ما می‌توانیم جلوی همه فرهنگ‌ها را با «بستن»‌ها بگیریم، اما تعالی فرهنگی را با «اجبار» نمی‌توان ایجاد کرد و انسان‌ها باید خودشان بخواهند تا متعالی شوند. کسی می‌تواند جلوی دسترسی دیگران به شرب خمر را بگیرد اما نمی‌تواند کسی را وادار به نیت‌کردن برای نماز کند؛ چراکه در صورت اجبار انسان نماز بدون نیت می‌خواند که با نخواندن آن تفاوتی نمی‌کند، لذا شرط تعالی روحی یک جامعه اختیار است.»

او با بیان اینکه خاوند می‌خواهد انسان‌ها بسیاری از کارها را با اختیار خودشان انجام ندهند و بسیاری را با اختیار انجام دهند، یادآور شد: «تجربه بشری می‌گوید اگر انسان را به اختیار خود واگذاریم اما او را تربیت کنیم، تعالی پیدا می‌کند، زیرا از دل یک فضای دستوری چیزی تولید نمی‌شود.»

«سیدحسن خمینی» با بیان نمونه‌ای تاریخی گفت: «از فضای شوروی به عنوان یک امپراتوری بزرگ ۷۰ ساله فرهنگ جدیدی تولید نشد؛ البته در ابتدای کار افرادی با عشق، به آن مکتب روی آوردند و با اختیار خویش به سوی آن رفتند و تمدنی زاده شد؛ اما وقتی با اجبار خواستند آن مسیر را ادامه دهند، هم سینمای شوروی مُرد، هم ادبیات و موسیقی روسیه تمام شد؛ در حالی که در ابتدای کار عشق و علاقه هنرمندان موجود بود. در کشور ما فضای فرهنگ و ادبیات تا مدت‌ها در اختیار چپ‌گرایان بود، چرا که با اختیار خود مسیر را انتخاب کرده بودند، اما در جامعه شوروی چون اختیار در کار نبود از همان سینمای اولیه نیز با وجود سرمایه‌گذاری زیاد، اثری تولید نشد.»

او با بیان اینکه تعالی فرهنگی محتاج «اختیار» و «شجاعت» است، تصریح کرد: «کسانی که مسئول امور فرهنگی می‌شوند یا هر عقیده‌ای که هستند، باید برای عقیده خودشان آن‌قدر ارزش قائل باشند که قادر باشند شجاعانه آن را ترویج کنند و گر نه به دروغ می‌گویند بدان معتقدند.»

او با تأکید بر اینکه شجاعت به معنای بستن چشم و بازکردن دهان به گفتر هر سخنی نیست، ادامه داد: «شجاعت یعنی کسی منافع شخصی خود را در تصمیمات دخالت ندهد؛ اما بدوین مهم نیست چه می‌گوید، بلکه اگر منشا اثر هستی همیشه گروهی هستند که به شما دشنام بدهند و انسانی که از دشنام بترسد قیمت خود را خیلی پایین آورده است زیرا دشنام ارزان‌ترین چیز در دنیاست»، «سیدحسن خمینی» با اشاره به توصیه مریان اخلاق مبنی بر اینکه راه مبارزه با خصلت‌های منفی اخلاقی این است که در لحظه آگاهی از یک خصلت بد با آن مبارزه کنیم، افزود: «هر وقت احساس تردید در کاری می‌کنیم، اگر دلیل این تردید یک رذیلت اخلاقی مانند ترس و طمع است حتما باید خلاف آن عمل کنیم.»

حتی رحلت آیت‌الله در صحنه سیاسی کشور تأثیر داشت. آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری‌اصفهانی

در تاریخ ۱۲ خرداد ۹۲ بعد از تحمل بیماری و رفتن به کما درگذشت. چهاردهم خرداد مراسم تدفین و تشییع آیت‌الله در اصفهان، با شکوه خاصی برگزار شد. جمعیت زیادی برای تشییع آمدند؛ از مردم عادی گرفته تا فعالان سیاسی قبل و بعد از انقلاب؛ اما شاخص‌ترین آن حسن روحانی بود. کاندیدای ریاست‌جمهوری که ترجیح داده بود به‌جای شرکت در مراسم سالگرد درگذشت امام در حرم او، در مراسم تشییعی شرکت کند که عمده حاضران آن مراسم چهره‌های اصلاح‌طلب بودند، آن هم تنها ۱۰ روز مانده به برگزاری انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری. شاید همین حضور، نقطه عطفی در روند انتخابات ریاست‌جمهوری بود. جایی که روحانی را به پیوند و انتلاف با اصلاح‌طلبان درآورد. و ازاین‌رو اگر زندگی آیت‌الله را به بخش‌های قبل و بعد از انقلاب و سال‌های بعد از استعفاي او از امامت نماز جمعه اصفهان تقسیم کنیم، مرگ او در کوران تبلیغات ریاست‌جمهوری خود سرآغاز دوران دیگری شد.

آیت‌الله در سال ۱۳۰۵ در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون شناخته‌شده حسین‌آباد بود. آیت‌الله بعد از تحصیلات متوسطه در دبیرستان سعدی به توصیه پدر راهی حوزه علمیه اصفهان شد. او از شاگردان حلقه آیت‌الله محقق داماد محسوب می‌شود. آیت‌الله به سبب سوابق مبارزاتی خود قبل از انقلاب به‌ویژه برپایی کلاس‌های درس و نمازجمعه در این شهر دستگیر و زندانی می‌شود و بعد هم ممنوع‌المنبر. آیت‌الله در دوران مدرسه و بعد هم به سبب همسایگی از هم‌نشانان شهید بهشتی بوده است و البته هم‌بند آیت‌الله طالقانی و از علاقه‌مندان به دکتر شریعتی. تا آنجا که در سال‌های قبل از انقلاب به روایت فضل‌الله صلواتی از مباحث منتخب شریعتی در کلاس‌های درس خود درس بهره برده است. مرحوم آیت‌الله پس از انقلاب هم نمازجمعه اصفهان را تا زمان استعفا از این سمت، یعنی سال ۸۱ برپا کرد؛ به همان سبک و سیاق. خطبه‌هایی که مباحث سیاسی را مطرح می‌کرد و این به مذاق گروه‌های تندرو و مخالف و در اصفهان خوش نمی‌آمد و گاهی هم در این امر تشنج‌هایی را ایجاد کردند؛ اما آیت‌الله در سال ۸۱ تصمیم به استعفا گرفت و آن را در نامه بلندبالایی خدمت مقام رهبری تقدیم کرد. نامه‌ای که از فقر و فساد و بی‌عدالتی گلایه کرده بسود و مقام رهبری هم در پاسخ مطولی استعفاي او را پذیرفتند. آیت‌الله در سال‌هایی که منصب و منبر نمازجمعه را در اختیار نداشت همچنان به درس و بحث مشغول بود و ندهای فراوانی به دولت‌های احمدی‌نژاد داشت و همچنان از فساد و فقر گلایه‌مند بود. آیت‌الله به مناسبت‌های مختلف در امور سیاسی مواضع خود را در قالب بیانیه ارائه کرده است. اینها بخشی از روایت حجت‌الاسلام محمدحسن طاهری، فرزند مرحوم آیت‌الله است. او که به سبب ازدواج با نغمه اشراقی، دختر مرحوم آیت‌الله اشراقی، داماد بیت امام هم محسوب می‌شود، به سوالات روزنامه «شرق» درباره سال‌های حیات آیت‌الله بعد از استعفا، به صورت کتبی پاسخ داد که علت هم ضیق وقت بود و نبود فرصت کافی برای انجام گفت‌وگوی حضوری. آقای طاهری در این جواب‌ها البته به بخشی از خاطرات آیت‌الله هم اشاره کرده است؛ بخشی که به حضور آیت‌الله در جبهه‌های جنگ ایران و عراق اشاره دارد؛ ازجمله تذکر ایشان نسبت به شروع جنگ ایران و عراق و پشت‌برده بعضی از عملیات‌های لورفته و خیانت برخی افراد. مشروح این گفت‌وگوی کتبی را در پی می‌خوانید.

کلاس زندگی مرحوم آیت الله طاهری بعد از استعفا از امامت جمعه اصفهان تا زمانی که در قید حیات بودند. یعنی از سال ۸۱ تا ۹۲ چگونه سپری شد؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. با امید به اینکه این مصاحبه و مضامین بتواند بخشی از بیوگرافی شخصیت مردی از مشاهیر انقلاب اسلامی را به نسل جوان و علاقه‌مندان انتقال دهد مطالبی را به استحضار می‌رسانم.

سوآلی که مطرح کردید یک بخش تفصیلی دارد که مجال پرداختن به آن در این موقعیت نیست؛ هم به لحاظ محتوا و هم جزئیات؛ البته بخشی از آن بسیار مهم و مکثوم است و یک قسمت را که می‌توان اجمالا به آن پرداخت به استعانت از پرودگار حکیم به استحضار می‌رسانم. استعفاي آیت‌الله، نقطه عطف بزرگی در مسیر زندگی شخصی، عمومی و فعالیت‌های اجتماعی ایشان ایجاد کرد. ایشان از یک منصب رسمی حکومتی با موقعیت ویژه و شرایط خاص به صلاحدید و تکلیف شخصی خود کناره گرفت و به یک روحانی منتقد، تحول‌خواه و تمام‌قد در خدمت حقوق مردم و البته آزاد از تعلقات دست‌وپاگیر تبدیل شد. مرحوم آیت‌الله، در اوقات فراغی کاملاً متفاوت با گذشته شد که این‌بار به‌جای زاویه دید بسته، آینده تمام‌قد از گذشته، حال و آینده مقابل او قرار گرفت و به بازیابی پاید‌ها و نبایدها پرداخت. دراین‌باره سه مورد مهم اتفاق افتاد؛ اول، ریزش اطرافیان که به هوای پست، مقام و مناصب دنیوی اطراف او بودند؛ دوم، تصمیمات و اتفاقاتی که طبعاً پس از آن استعفا، موجب

و خانواده‌اش شد و کنترل و نظارت‌ها تشدید شد؛ سوم، فعالیت‌های علمی و انقلابی ایشان شکل جدی‌تری پیدا کرد و دیگر تقییدات اطرافیان برای رعایت بعضی جوانب مؤثر نبود. برای فردی که خود را از بانیان و عوامل اصلی انقلاب و نهضت امام و معتمد شخص امام و بنیان‌گذار انقلاب می‌دانست، هضم برخی نامهربانی‌ها سخت بود. انسان وقتی در سمت و جایگاهی است که فضای دید و زاویه نگاه او را تعیین می‌کند، قادر به درک تمام اتفاقات و قضاوت عادلانه نیست و این متفاوت است از زمانی که کناری بنشیند و به اتفاقات نگاه کند و با آنچه قبلاً می‌پنداشت مقایسه کند. دست‌آورد این ایام (از زمان استعفا به بعد) کنترل بیشتر رفت‌وآمدهای مردمی، پرس‌وجو و ... بود.پس از مدتی آهسته‌آهسته انزوا و خانه‌نشینی شروع شد. چندین‌بار در مراسم و سیبیهای خاص مورد تعرض قرار گرفت و شیشه‌های آتومبیل‌ش با سنگ، مشت و... شکست. بر اثر شکستگی سر و ضربه سختی که ناشی از سقوط بود، در بیمارستان بستری شد و مورد عمل جراحی قرار گرفت. پس از آن عمده اوقات ایشان در خانه و در حال اشتغال و انس با قرآن، حدیث و نوشتن و تألیف چند اثر فقهی سپری شد. ایشان طبعاً به مناسبت‌های گوناگون و خطیر اقدام به صدور اطلاعیه می‌کردند که در محیط‌های مجازی منتشر می‌شد و بازتاب خوبی هم داشت. واقعه دیگری که در آن ایام حضور ایشان را پررنگ کرد، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ بود. در آن انتخابات طیف‌ها، افراد متفاوت و نخله‌های گوناگون شرکت داشتند؛ ازجمله آقایان هاشمی، کروبی، معین، لاریجانی، قالیباف، مهرعلیزاده و بالاخره احمدی‌نژاد که بدون توجه به خطر پوپولیسم و اغواگراییه احمدی‌نژاد حریف

را برای موفقیت دست‌کم گرفتند. مرحوم آیت‌الله، اما سعی بلغ و فراوانی را برای ایجاد وحدت و رسیدن به یک نامزد انجام داد. به دوستانی که می‌توانستند در این کارزار مؤثر باشند، پیغام می‌داد و فشار می‌کرد که برای فرد واحدی به اجماع برسند که در غیراین‌صورت امکان توفیق سخت خواهد شد. حتی به چند نفر از کاندیداهای ریاست‌جمهوری که به دیدار ایشان رفتند دراین‌باره تذکر دادند؛ البته

جو غالب در آن انتخابات، حضور حداکثری کاندیداها بود. مرحوم پدر، در دور دوم به‌نفع جناب آقای هاشمی اطلاعیه‌ای صادر کردند و اتفاقات پیش‌رو را به مردم متذکر شدند که بعضی از قضایای امروز در آن اطلاعیه پیش‌بینی شده بود. یکی از روزها، هنگام پیاده‌روی بر اثر حمله صرع که ناشی از شکنجه‌های وسیع زمان مبارزه و زندان بود، از بلندی سقوط کرد و به زیر پله‌ها افتاد. آن روز من برای حل اختلاف ارت یکی از بستگان بیرون از خانه بودم که با تلفن مضطربانه همسر برادرم، به‌سرعت خود را به منزل رساندم. ایشان در زیر پله‌ها افتاده بود و خون از سر و چشم‌هایش بیرون می‌زد. کار تمام بود. به‌سرعت ایشان را به بیمارستان رساندیم. این‌بار اما، شدت ضربات، وضعیت وخیم و بسیار بحرانی را بر بدن تحفیض وارد کرده بود. باین‌حال، با تقدیر الهی و تلاش پزشکان و کادر درمانی بیمارستان الزهرا زنده ماند و پس از مراحل ابتدایی و مراقبت‌های ویژه به بخش و سپس به منزل منتقل شدند. این اتفاق، بسیار در وضعیت جسمانی و فعالیت‌های عمومی ایشان اثر منفی گذاشت؛ به‌گونه‌ای که نحوه زندگی، معیشت و حضور او در مجامع عمومی را تحت تأثیر قرار داد اما باز هم مجدانه در آنچه احساس تکلیف می‌کرد از همه قوای باقی‌مانده‌اش بهره می‌گرفت. من این‌دوره را زمانه «بازگشت به خویشتن خویش» نام می‌گذارم؛ چراکه به‌صورت عجیبی با قرآن الفت گرفت و غالب اوقات در روز و گاه شب مشغول تلاوت و تدبر در قرآن بود. بعضی روزها تا یک‌سوم قرآن را تلاوت می‌کرد و اگر نکته‌ای را مناسب توان درک مخاطب و ناظر تشخیص می‌داد، آن را تفسیر

سیاست



محمدحسن طاهری از زندگی پدر می‌گوید

روایت سال‌های عزلت

مرجان توحیدی

می‌کرد و توضیح می‌داد. با وجود آنکه حافظه‌اش بر اثر ضربه سقوط، دچار ضایعه شده بود، اغلب خطبه‌های مهم و مشهور نهج‌البلاغه را از حفظ می‌خواند و ما ضبط می‌کردیم. قرآن را هم از حفظ داشت و آیات را به‌درستی و فصاحت تفسیر می‌کرد.

کلاس‌ها و کلاس‌های درس ایشان چگونه بود و چه مباحثی را در آن کلاس‌ها مطرح می‌کردند؟

این سؤاال را هم در سه بخش باید پاسخ داد؛ منبرهای قبل از انقلاب، پس از انقلاب و بعد از استعفا و انزوا. همچنین درس‌ها و مباحث هم به این روال تقسیم می‌شود.

مرحوم آیت‌الله طاهری یکی از مبرزترین طلبه‌های درس مرحوم آیت‌الله محقق‌داماد بودند. درس و حلقه درسی مرحوم داماد مورد تعرض قرار گرفت و شیشه‌های آتومبیل‌ش با سنگ، مشت و... شکست. بر اثر شکستگی سر و ضربه سختی که ناشی از سقوط بود، در بیمارستان بستری شد و مورد عمل جراحی قرار گرفت. پس از آن عمده اوقات ایشان در خانه و در حال اشتغال و انس با قرآن، حدیث و نوشتن و تألیف چند اثر فقهی سپری شد. ایشان طبعاً به مناسبت‌های گوناگون و خطیر اقدام به صدور اطلاعیه می‌کردند که در محیط‌های مجازی منتشر می‌شد و بازتاب خوبی هم داشت. واقعه دیگری که در آن ایام حضور ایشان را پررنگ کرد، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ بود. در آن انتخابات طیف‌ها، افراد متفاوت و نخله‌های گوناگون شرکت داشتند؛ ازجمله آقایان هاشمی، کروبی، معین، لاریجانی، قالیباف، مهرعلیزاده و بالاخره احمدی‌نژاد که بدون توجه به خطر پوپولیسم و اغواگراییه احمدی‌نژاد حریف

به‌هرحال ایشان حسب تکلیف شخصی در ابتدای موفقیت علمی و زمان بهره‌گیری برای مناصب و کرسی‌های تدریس و تعلیم در قم، این شهر را رها کرد و به اصفهان آمد. تشخیص ایشان این بود که باید اکنون آنچه فراگرفته را در خدمت مردم و تغییرات بنیادین سیاسی و اجتماعی قرار دهد. براین‌اساس، این هدف

را از منبر و مسرتی به‌طور آغاز کرد. به دلیل اجتهاد، بیان شیوا و تسلط بر احکام، قرآن و روایات و نیازهای جوانان مذهبی و محافل دینی، به‌سرعت منبر ایشان اشتها پیدا کرد و در شهر به عنوان خطیب مجتهد و انقلابی و خوش‌بیان مخاطبان فراوانی پیدا کرد. غالباً در منبرهای ایشان جمعیت‌های جوان و فرهیخته شهر موج می‌زد. اینجنین بود که حساسیت ساواک

درباره مطالب و محتوای منابر و خطابه‌ها زیاد شد؛ به‌طوری‌که چندین‌سال ممنوع‌المنبر شد و فقط در جلسات خصوصی و شناخته‌شده سخن می‌گفت.از شگردهای مرسوم «آخوندی» گریزان بود و در مقابل سرزنش دیگران که او را «منبری» می‌نامیدند، باکی نداشت؛ چراکه می‌دانست سرزنش‌کنندگان، چه کسی را هدف گرفته‌اند. بدون تردید اهداف این گروه شخص امام و نهضت بیداری اسلامی بود که مرحوم طاهری با درایت و احساس تکلیف، آن را سرلوحه فعالیت‌های دینی و مسلکی خود قرار داده بود. بعداً با توجه به مرحوم آیت‌الله منتظری و تأیید امام، مرحوم پدر، نمازجمعه اصفهان را در مسجد اعظم حسین‌آباد یعنی محل تولد خود شروع کرد و طوای تکشید مسجد و شبستان، جمعه‌ها مملو از جمعیت مشتاق و عمدتاً جوانانی شد که بعضاً از شهرهای دیگر می‌آمدند. طرح مسائل سیاسی و تبلیغ شخصیت امام که در نجف تبعید خود را می‌گذراندند، سبب هجوم ساواک و بسته‌شدن مسجد و دستگیری مرحوم آیت‌الله طاهری شد. داستان شکنجه‌های روحی و جسمی وارد شده به ایشان خود حکایت دیگری است که از آن می‌گذرم. مرحوم طاهری هم‌زمان در مدرسه صدر و ملاعبده‌الله منتظری و ابتدای بازار اصفهان درس سطح و خارج را هم ارائه می‌کرد و طلاب زیادی از محفل درسی ایشان بهره‌مند می‌شدند. تقریرات درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله محقق‌داماد که منحصربه‌فرد است، از مهم‌ترین تألیفات و کتب ایشان است که مورد مراجعه فراوان و بزرگان حوزه است. همچنین در مباحث مربوط به فقه کتاب الطهارة، کتاب انجمن، کتاب الجهاد، بخش‌هایی

از تقریرات درس حج و نوشتارهای متعددی که ان‌شاءالله در آینده چاپ خواهد شد، ازجمله تألیفات و تحقیقات علمی ایشان است.

احوال شخصی خودشان بعد از تقدیم نامه استعفا از امامت جمعه خدمت مقام معظم رهبری و نامه ایشان چگونه بود؟

در مواجهه با افراد مختلف نظرات گوناگونی دریافت می‌کردند. بعضی موافق بودند و به‌شدت از این اقدام حمایت می‌کردند و عده‌ای هم یا مخالف اصل استعفا بودند یا به محتوا و الفاظ می‌عواقب منفی آن برای اصلاحات و... استناد می‌کردند. طبعاً هر اقدام بزرگی به همان وزن و اندازه اجتماعی و سیاسی و... مخالف و موافق زیادی دارد. اما آنچه من مکرراً از ایشان شنیدم این بود که خدا را شکر می‌کنم که در این اتفاقات و رویدادهایی که به کشور و انقلاب وارد می‌شود، من نه شریک هستم نه مؤید. بیشتر اشاره به وقایع کشور‌شود و نظام‌ستیزی دولت‌های هشتم و نهم می‌کرد و تأییدهایی که گاهی از سوی برخی بر آنها اعمال می‌شد. بسیاری در این دوران خدمت ایشان آمدند که شما از مواضع خودتان برگردید تا چنان و چنین شود، ولی در یک کلام طاهری «بنده تکلیف» بود و از همین ناحیه نیز پاسخ‌گوی اعمال خود در دنیا و آخرت و نزد خداوند خواهد بود و تاریخ نیز قضاوتگر باهوشی است.

درباره وقایع سیاسی روز مثلاً دولت‌های احمدی‌نژاد چه تحلیلی داشتند؟

ایشان دولت احمدی‌نژاد را مغایر اهداف انقلاب و امام و مصالح کشور می‌دانست. عمده ناراحتی ایشان این بود که چرا به روحانیت و کسانی که باید پاسدار مرزها و کیان نظام و اسلام و کشور باشند، در فسادهای نهادینه‌شده و مطامع بیگانگان برای درآمدهای سرشار نفتی و ثروت‌های کشور اتهام زده می‌شود و کشتی امید جوانان و ملت با تصمیمات اشتباه سوراخ شده و به قعر نامیدی رهسپار می‌شود. ایشان حدود یک ماه قبل از انتخابات ۹۲ در بیمارستان به حالت کما به سر برد و چند روز قبل از برگزاری انتخابات در ۱۲ خرداد به جوار رحمت حق رجوع کرد.

جناب آقای دکتر روحانی، رئیس‌جمهور محترم و گرامی تنها کاندیدایی بودند که در مراسم تشییع آن مرد آزاده و بزرگ شرکت کرد که البته نام و اشتها را ایشان و اقبال مردم عزیز به این بزرگوار و کسب توفیق در افکار مصلحین و دلسوز کشور با این اقدام خدایپسندانه و جوانمردانه ایشان ضاف شد.

آیا خاطرات نقل‌نشده‌ای از ایشان در دوران بعد از استعفا برای اطلاع مردم دارید؟

پس از استعفاي ایشان و خالی‌شدن افرادی که برای اهداف دنیوی در اطراف او بودند، من احساس تکلیف بیشتری داشتم که در کنار پدرم باشم. پس با وجود مشغله‌های گوناگون و اقامت خانواده‌ام در تهران، غالباً هفته‌ای سه یا چهار روز و هنگامی که در بیمارستان بستری بودند، روزهای متعددی به پرستاری و مراقبت ایشان می‌پرداختم. این دوران با آنکه برای من بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، گنجینه‌ای از ذخایر معنوی و خاطرات مثنوی از گذشته و حال پدر داشت که بعضاً ضبط و ثبت می‌شد و ان‌شاءالله در فرصت مقتضی من یا دیگران منتشر خواهیم کرد. خاطراتی از ششانی با امام راحل، سفرهای مخپخانه به نجف، مسائل مرتبط با مرحوم آیت‌الله منتظری، مجلس خبرگان رهبری و انتخاب رهبر، جبهه و عملیات‌های گوناگون و قضایای پشت پرده بعضی از عملیات‌ها و خیانت بعضی از افراد در عملیات‌های لورفته، اقداماتی که برای جلوگیری از هجوم به پادگان‌های اصفهان انجام دادند و ماجرای شروع جنگ و جلسه با سران قوا و فرماندهان ارتش و سپاه و بنی‌صدر و اعلام حمله قطعی عراق به ایران در حدود ۲۰ روز قبل از هجوم عراق، به مقامات از جمله بنی‌صدر، جلوگیری از انحلال ارتش و بسیاری از مسائل که حتی ذکر عناوین آنها خارج از ظرفیت این مصاحبه است. اینها همه هستند و معنون به بعضی اسناد رسمی و کتاب‌های دیگران در حوزه خاطرات و تاریخ است که از زبان ایشان نیز جمع و تنظیم شده است و ان‌شاءالله در فرصت خودش چاپ خواهد شد.

توجه به شخصیت بی‌بدیل آیت‌الله طاهری و مجاهدات فراوان او و اعتمادی که امام راحل به او داشتند و در همین رابطه چندین بار به من و همسرم تأکید کردند که «من برای ایشان بدیلی در اصفهان ندارم و باید به‌شدت از او محافظت و مراقبت شود»، چنانچه نظراتشان در بسیاری موارد نزد امام حجت بود. مسائلی را همگشا و رافع اینهاهم‌ای است که بعضاً هنوز رفق و رجوع نشده است. بر این اساس باید برگ‌های مبینی آن را حل و تبیین کند. متأسفانه بعضی نادانسته سعی بی‌فایده برای حذف چهره و اثر این مرد بزرگ در استان اصفهان و انقلاب دارند که گاهی انسان نمی‌داند بخندد یا گریه کند، از بس نادانی شیوه و رفتار روزمره شده است؛ در این عصر که عصر انفجار اطلاعات است، چگونه می‌توان خورشید را با دست مخفی کرد. اگر حرف راستی هم بزنند به دلیل همین رویه مندرس اساطیری تعمیم به کذب می‌شود و این برای منافع درازمدت خودشان هم مضر است. تاریخ را باید همان‌گونه که هست نوشت و قضاوت را به خدا سپرد و وجدان انسان فطرت الهی است که تبدیلی در آن نتوان کرد.

نگاه

هاشمی‌رفسنجانی:

زیننده این نظام نیست که جوانان تحصیل کرده‌از بی‌اشغالی گلایه‌کنند

● **ایستا**: آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار اعضای گروه سرمایه‌گذاری آل‌طه که متشکل از چند شرکت مربوط به جهاد تحقیقات کشاورزی (آب و انرژی)، سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و همچنین مؤسسه نهج‌البلاغه است، با اشاره به اهداف تأسیس و دستاوردهای جهاد سازندگی در کشور، گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند منکر اخلاص نیروهای جهاد سازندگی باشد؛ چراکه در جنگ به عنوان سنگرزبان بی‌سنگر، حامی رزمندگان در خطوط مقدم بودند و پس از جنگ، در دوران سازندگی طرح‌های بسیار مهمی را به انجام رساندند.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از پل خبیر در جزیره مجنون و همچنین پل بعثت روی اروندرود به عنوان دو کار ماندگار جهاد سازندگی در تاریخ دفاع مقدس یاد کرد و گفت: «نقطه اوج تأثیرگذاری آنان در جنگ که هنوز هم دامنه تأثیرات آن در کشور فراوان دیده می‌شود، آغاز پروژه موشک‌سازی در یک منطقه کوچک بین تهران و کرج بود که بعدها، به نسبت پیشرفت دانش، صنعت آن نیز گسترش می‌یابد.»

هاشمی‌رفسنجانی، با اشاره به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایران از لحاظ منابع طبیعی، نیروی انسانی مستعد، مردمی وفادار به نظام و مکتب اهل بیت (ع)، گفت: «باید با توجه به همه این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها برای پیشرفت ایران کام‌هایی اساسی برداریم و زیننده این نظام نیست که جوانان تحصیل‌کرده‌اش از بی‌اشغالی گلایه کنند.»

او با اشاره به مشکلات آب در گذشته، امروز و آینده در کشور، گفت: «باید با تحقیقات جامع، معضلی را که بحران آینده جهان خواهد بود، حل کرد و در این راه تجربیات جهاد سازندگی در آبخیزان‌داری و آبخیزداری‌ها و نوآوری‌های شرکت‌های جهادی، بسیار سودمند خواهد بود.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با یادآوری طرحی که روس‌ها ارائه کرده بودند، گفت: «اگرچه مصادیقی از موفقیت این طرح در مقاطعی و مناطقی بروز کرد؛ اما هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و وظیفه دانشمندان و محققان ماست که براساس دانش روز به این مسئله رسیدگی کنند.»

او با تأکید بر جایگاه مردم ایران در دنیا، گفت: «شهروین که اخیراً به ایران آمده است، در رفتار با من به صراحت اعتراف کرده که الان یک بحث جدی بین دولت‌های اروپایی مطرح شده که چگونه ایران در منطقه‌ای که کاملاً ناامن است، امنیت ی‌پایدار و ستودنی دارد؛ درحالی‌که همه ما می‌دانیم این امنیت مرهون قدرت نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و مهرز از همه وفاداری مردم به نظام و آرمان‌های امام (ره) و شهداست.»

هاشمی‌رفسنجانی، با ارائه تحلیلی از روند اتفاقات تاریخی انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون و مزاحمت‌هایی که تندروهای شعاری در راه پیشرفت کشور ایجاد کرده‌اند، گفت: «در زمانه‌ای که انسان‌های آزاده دنیا به قانون متوسل‌ا برای مقبولیت در فطرت انسان‌ها اعتراف می‌کنند، عده‌ای در داخل با نگاه شعاری، هم سیاست خارجی را مختل می‌کنند و هم بر سر راه حضور جدی سرمایه‌گذاران خارجی مانع ایجاد می‌کنند.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با ابراز تأسف از منفی‌بافی‌های عده‌ای محدود در ماجرای مذاکرات هسته‌ای، گفت: «عضویت در باشگاه هسته‌ای جهان، به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران رسمیتی بین‌المللی بخشیده و آژانس موظف و مکلف است نیازهای علمی و تجهیزاتی ایران را در این زمینه فراهم کند.»

او با بیان ویژگی‌های مثبت تأمین انرژی از طریق جوش هسته‌ای و تفاوت‌های آن با شکافت هسته‌ای، به نیروگاهی که چند کشور پیشرفته دنیا مشغول ساختن اولین واحد آن در فرانسه هستند، اشاره کرد و گفت: «به موجب تعهدات ۵+۱ در برجام، از دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان نماینده ایران دعوت کرده‌اند تا در این طرح بسیار مهم مشارکت داشته باشد که اگر موفق شویم، با توجه به منابع فراوان آن هیچ دغدغه‌ای برای تأمین انرژی در آینده نخواهیم داشت.» هاشمی‌رفسنجانی، در پاسخ به سخن یکی از حضار درخصوص توصیه‌های مکرر حضرت امیر در نهج‌البلاغه درباره رعایت عدالت، با اشاره به فرازهای مهم نامه‌های حضرت علی (ع) به استانداران خویش، گفت: «تأکید بر عدالت همگانی و پرهیز از تبعیض‌های مذهبی که مصداق آن داستان خون‌خوردن آن حضرت از درآوردن خلخال پای یک دختر یهودی است، نقطه قوت حکومت پنج‌ساله آن امام عزیز است که بزرگان همه ادیان با عظمت از آن یاد می‌کنند.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان این جمله که با پیروان آن امام بزرگوار هستیم، گفت: «یکی از مظاهر عدالت در جامعه، فراهم‌کردن زمینه‌های اشتغال برای همه مردم در اقصى نقاط کشور است.» او استفاده درست از نقدیگی را یکی از راه‌های احیای واحدهای تعطیل‌شده صنایع و برگشت رونق به تولید کشور دانست و گفت: «می‌توان با مدیریت درست و همکاری بانک‌ها این تهدید را که مانند بهمنی بر اقتصاد کشور تحمیل شده، به فرصتی برای تولید، کار، اقتصاد و به‌تبع‌آن فرهنگ تبدیل کرد.»